

## هم‌بستگی اسلامی از دیدگاه قرآن

محمد رضا زند وکیلی<sup>۱</sup>

### چکیده

هم‌بستگی اسلامی که از آن به وحدت اسلامی تعبیر می‌شود از مهم‌ترین عواملی است که مسلمانان جهان از صدر اسلام تاکنون بر اساس تعالیم اسلام در مقابله با دشمنان می‌توانند به کار ببرند. وحدت و هم‌بستگی و دوری از تشّت و تفرقه است که سیادت مسلمین و استقرار دین حق را در جهان میسر می‌سازد. برای رسیدن به این هدف نیاز است ابتدا وحدت و هم‌بستگی میان مسلمانان ایجاد گردد. تا زمانی که هم‌بستگی در میان خود مسلمانان نباشد نمی‌توان دین حق را جهانی نمود. لازمه گسترش اسلام، وحدت مسلمین است. قرآن کریم به عنوان کلام الهی و منادی وحدت، زمینه‌ها و راه‌کارهای هم‌بستگی اسلامی را در تقوا، حسن ظن، امر به معروف و نهی از منکر، تفاوت دشمن و دشمنی... و موانع رسیدن به آن را در بغی و تعصب و غیره دانسته است. از آن‌جا که مسلمانان بر وجوب پیروی از قرآن کریم اتفاق نظر دارند، در این مقاله، زمینه‌ها، راه‌کارها و موانع هم‌بستگی اسلامی در قرآن جست‌وجو گردیده و اثرات آن بررسی می‌شود. واژگان کلیدی: وحدت، هم‌بستگی، قرآن، توحید، تقوا، صراط مستقیم، تفرقه، دشمنی.

### مقدمه

بر همگان روشن است که در دوران حاضر مسلمانان با جمعیتی میلیاردي و قلمرویی بس وسیع و ثروتی فراوان، تحت سلطه حاکمیت تمدن صلیبی جدید و سرمایه‌داری جهان غرب قرار دارند و دیگر از آن هیبت صدر اسلام خبری نیست. صهیونیسم جهانی به کمک انگلیس، آمریکا و دیگر هم‌پیمانان خود به فلسطین، لبنان، افغانستان، عراق و بلاد اسلامی دیگر دست‌اندازی نموده و سیاست، اقتصاد،

۱- کارشناسی ارشد فقه و حقوق دانشگاه قم.

فرهنگ و حتی مقدسات مذهبی و دینی آنان را تحت الشعاع قرار داده و در صدد متلاشی کردن پایه‌ها و قوام جامعیه اسلامی است.

رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران، امام خمینی، فرمود:

«..... بین مسلمین اتفاق و وحدت حاکم باشد در سایه همین اتحاد به هیچ کشوری و هیچ قدرتی احتیاجی نداریم بلکه آنها محتاج مسلمانان هستند. اگر این دولت‌های اسلامی با هم پیوند اخوتی که خداوند تبارک و تعالی در قرآن کریم فرموده است حفظ کنید ایجاد کنند نه افغانستان مورد هجوم واقع می‌شد و نه فلسطین مورد حمله واقع می‌شد و نه سایر کشورها احتیاج وقتی پیدا می‌شود که مثل حالا متفرق باشند و کشورها از هم جدا باشند.» (خطاب به اعضای نهضت سواد آموزی و خانواده شهدای هفتم تیر ۱۳۶۰/۱۰/۷).

از سخنان بنیان‌گذار کبیر انقلاب اسلامی استفاده می‌شود که منشأ حقیقی هم‌بستگی و وحدت اسلامی همان دین اسلام است که تعالیم آن توسط خداوند بیان شده است. قرآن که کلام آسمانی و مورد اتفاق تمام مسلمین است و مسلمانان بر وجوب پیروی از نصوص آن اتفاق نظر دارند، برای گرد هم آوردن ایشان کافی است، زیرا قرآن مانند رابط و رشته‌ای محکم آنان را در بسیاری از اصول و فروع، دور هم جمع می‌کند و اختلاف رأی در فهم و استنباط از قرآن در پاره‌ای از مسائل، از قبیل اختلاف در اجتهاد است و نباید باعث دشمنی و کینه نسبت به هم گردد.

### تعریف وحدت و هم‌بستگی

وحدت و هم‌بستگی در لغت به معنای یکی بودن، یگانه بودن و یگانگی است. در فرهنگ اسلامی، وحدت از دیدگاه‌های مختلف بررسی شده و در اصطلاح هر یک از علما معنای ویژه‌ای به خود گرفته است. در فلسفه، وحدت در مقابل کثرت به کار برده شده است و گاه وحدت مرام گویند، یعنی گروهی که مرام و مقصد مشترکی دارند. گاه وحدت ملی گویند، یعنی اشتراک همه افراد یک ملت در آمال و مقاصد، چنان‌چه به منزله مجموعه واحد به شمار آیند (اداره پژوهش و نگارش وزارت ارشاد، ۱۳۶۲، ص ۵۰).

مراد ما از وحدت، وحدتی است که در اسلام و قرآن بر آن تأکید شده است، همان وحدتی که اگر از میان نمی‌رفت اسلام معنویت راستین خود را از دست نمی‌داد، جهان اسلام چنین تجزیه نمی‌شد و استعمار نمی‌توانست به نفع خود بهره‌برداری و افکار خود را بر مسلمانان تحمیل کند و مسلمانان را از پیشرفت باز دارد و وضع آنان چنین باشد که می‌بینیم.

### انواع وحدت و هم‌بستگی در قرآن

۱- هم‌بستگی و وحدت امت؛ «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُون؛ این است امت شما که همگی امت واحدی بودند [و پیرو یک هدف] و من پروردگار شما هستم، پس من را پرستش کنید» (انبیاء/۹۲).

۲- همبستگی و وحدت پیروان کتب آسمانی؛ « قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَ لَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا؛ بگو: ای اهل کتاب! بیاوید به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است، که جز خدای یگانه را نپرستیم و چیزی را همتای او قرار ندهیم». (آل عمران/۶۴).

۳- همبستگی و وحدت همه ادیان؛ « شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَ الَّذِي أُوحِيَ إِلَيْكَ وَ مَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَى وَ عِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَ لَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ؛ خدا شرع و آیینی که برای شما مسلمانان قرار داد نوح را هم به آن سفارش کرد و بر تو نیز همان را وحی کردیم و به ابراهیم و موسی و عیسی هم آن را سفارش نمودیم که دین خدا را بپا دارید و هرگز تفرقه و اختلاف در دین خدا نکنید» (شوری/۱۳).

۴- همبستگی و وحدت نوع انسان‌ها؛ « يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَ أَنْثَى وَ جَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَ قَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا» (حجرات/۱۳).

بحث ما مربوط به همبستگی امت اسلامی است، که به انواع ذیل قابل تقسیم است:

۱- همبستگی مطلق؛ به معنای اتفاق نظر در همه معارف و احکام و عقاید اسلامی با همه اصول و فروع آن با توجه به آزادی اندیشه و تعقل. اتفاق در تمامی اجزای اصلی احکام و عقاید اسلامی امری امکان‌ناپذیر است، به خصوص با توجه به اختلاف در ذوق، اندیشه، هوش و حافظه متفکران که بدون تردید در انتخاب و فهم قضایا و استدلال آنان مؤثر می‌باشد، وحدت مطلق در همه زمینه‌ها را غیرممکن ساخته است.

۲- همبستگی مصلحتی و عارضی: اتفاق نظری که از جبر بیرونی و خارج از حقیقت و متن دین پیش می‌آید. معمولاً در هنگام بروز عوامل نابود کننده، اختلافات میان فرقه‌ها و مذاهب اسلامی نادیده گرفته می‌شود و نوعی اتحاد و هماهنگی میان آنها برقرار می‌گردد و چون این اتحاد معلول عوامل جبری بیرونی خارج از دین است با از بین رفتن آن عوامل بیرونی اتحاد نیز منتفی می‌گردد و به تناسب نیروی آن عوامل بیرونی میزان اتحاد موقت و مصلحتی نیز کاهش یا افزایش می‌یابد. این که وحدت مصلحتی و عارضی بتواند فرقه‌ها و مذاهب اسلامی را از اتحاد و هماهنگی دائمی و معقول برخوردار سازد انتظاری نابجاست.

۳- همبستگی معقول: قرار دادن متن کلی دین اسلام به عنوان اعتقاد همه جوامع اسلامی و کنار گذاشتن عقاید شخصی و نظری، فرهنگی محلی، و آرا و نظریات مربوط به اجتهاد گروهی یا شخصی. تحقق این نوع وحدت هیچ مانع عقلی و شرعی ندارد و هر متفکر آگاه از منابع اولیه اسلام و طرز تفکر ائمه معصومین و صحابه عادل و متقی و تابعین حقیقی آنان می‌دانند که پیروی از متن کلی دین امری ضروری و بدیهی است (موثقی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۲۸-۳۰). آن هماهنگی و اتحادی که منابع اولیه اسلام (قرآن، سنت، عقل سلیم، اجماع) و شخصیت‌های پیش‌تاز اسلامی - مثل آیت الله العظمی حاج سید ابولحسن طباطبائی بروجردی و رهبر اهل سنت شیخ محمد شلتوت - در گذشته و حال به آن دعوت نموده‌اند نه وحدت مصلحتی و عارضی است - که این نوع وحدت را هیچ یک از فرقه‌ها و مذاهب اسلامی به عنوان آرمان‌اعلای جوامع اسلامی نمی‌پذیرند - و نه وحدت و همبستگی مطلق -

که عملی نیست - بلکه آنان و دیگران بر اساس آن چه که مطلوب جدی منابع اصلی اسلام بوده و هست، خواستار انطباق حیات اجتماعی و دینی همه جوامع اسلامی بر متن کلی و مشترک دین اسلام هستند که می‌تواند دربرگیرنده همه فرقه‌ها و مذاهب باشد. این همان وحدت و هم‌بستگی معقول است.

### اهمیت وحدت و هم‌بستگی در قرآن

«وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا؛ و همگی به ریسمان خدا [قرآن و هرگونه وسیله وحدت الهی] چنگ زدید و پراکنده نشوید، و نعمت خدا را بر خود یاد آورید که چگونه با هم دشمن بودید، و او میان قلب‌های شما الفت قرار داد و به برکت نعمت او برادر شدید» (آل عمران/۱۰۳).

در این آیه خداوند مسلمانان را به یگانگی در راه خدا فراخوانده و چنگ زدن به ریسمان الهی را وسیله‌ای برای یگانگی دانسته است. «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ...» استعاره تمثیلی است، زیرا حالت و موقعیت مسلمانان در تمسک به کتاب خدا و یا در متحد بودنشان تشبیه شده به کسی که از مکان بلند به ریسمان محکم که در آن امنیت هست و از سقوط او جلوگیری می‌نماید چنگ زده است (رشیدرضا، بی تا، ج ۴، ص ۲۰).

خدای بزرگ کلمه نعمت را که منظور «اتحاد» است در این آیه شریفه دو بار به کار برده است: «وَ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً ... فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا...». با این تکرار خداوند خواسته است که اهمیت اتفاق و برادری و اتحاد را به مسلمانان بفهماند. هم‌چنین منظور از نعمت همان الفت و دوستی است؛ همان‌طور که مقصود از «إخوانا» در آیه که نتیجه «أخوت» می‌باشد مودت قلبی است (طباطبایی، بی تا، ج ۳، ص ۳۷۱).

به دلیل اهمیت دوری از تفرقه، خداوند از صیغه امر استفاده نموده است.

محمد جواد مغنیه در تفسیر «الکشاف» در معنای کلی آیه می‌گوید:

«مسلمانان باید پیرو دین واحد و رسول واحد و کتاب واحد باشند. خداوند برای این که مطلب را بهتر وارد ذهن نماید فوائد «اعتصام بحبل الله» را بیان نموده است تا اتحاد و اتفاق میان مسلمانان ایجاد شود و وضع عرب‌های اولیه را که گرفتار اختلاف بودند و سال‌ها میان دو قبیله اوس و خزرج جنگ و نزاع بود و به برکت اسلام با یک‌دیگر برادر شدند، نشان دهد.» (مغنیه، ۱۹۷۸، ج ۲، ص ۱۲۲-۱۲۳).

در واقع خداوند به بیان «اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ» بسنده نکرده و به دلیل اهمیت موضوع بلافاصله نعمت‌های حاصل از آن را بیان نموده است.

علامه طباطبائی در «المیزان» نوشته است این فرمان عام است و خداوند در بخش نخست آیه تمام مسلمانان را به اتحاد و اتفاق دعوت نموده و در بخش دوم آیه هم علت آن را بیان کرده است. (طباطبایی، پیشین، ج ۳، ص ۳۶۹).

«وَكَيْفَ تَكْفُرُونَ وَأَنْتُمْ تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ آيَاتُ اللَّهِ وَفِيكُمْ رَسُولُهُ وَمَنْ يَعْتَصِم بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ؛ چگونه کافر خواهید شد در صورتی که آیات خداوند بر شما تلاوت می‌شود و پیغمبر خدا در میان شماست. هر کس به دین خدا متمسک شود محققاً به راه مستقیم هدایت یافته است» (آل عمران/۱۰۱).

باز هم به دلیل اهمیت اعتصام و چنگ زدن به رشته خدا «حبل الله» در این آیه تکرار شده است و می‌توان گفت منظور از «حبل الله» کتاب خدا و رسول خداست، زیرا مرجع همه چیز خدا و رسول او است.

«وَاطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ...؛ از خدا و پیامبرش اطاعت نمایید و هرگز اختلاف و تنازع نکنید که در اثر تفرقه سست می‌شوید و قدرت و عظمت شما نابود خواهد شد» (انفال/۴۶). امر وحدت و دوری از تفرقه چنان اهمیت داشته است که خداوند بعد از امر به اطاعت از خودش و رسولش با صیغه نهی، تفرقه و دوری از وحدت و هر گونه نزاعی را که سبب از بین رفتن وحدت مسلمین می‌گردد نهی نموده است.

«إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ؛ مؤمنان برادر یکدیگرند، پس بین دو برادر خود صلح‌وآشتی برقرار سازید و تقوای الهی پیشه کنید تا مشمول رحمت او شوید» (حجرات/۱۰). قرآن مسلمانان را علاوه بر این که به وحدت و دوری از تفرقه دعوت نموده، به قدری به این مسئله اهمیت داده که به هنگام بروز اختلاف به اصلاح آن امر نموده و طبق این آیه اصلاح ذات‌البین را واجب دانسته است؛ «...فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ...». ابوالفتح رازی در تفسیر خود از پیامبر چنین نقل می‌کند: «أجر المصلح بين الناس كأجر المجاهد عند الحرب» (ابوالفتح رازی، بی‌تا، ص ۲۵۰).

«قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَمَا أُوتِيَ النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا تَفْرَقَ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ؛ بگویند ما به خدا ایمان آورده‌ایم و به آن چه بر ما نازل شده و آن چه بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط نازل گردیده و آن چه به موسی و عیسی و سایر پیامبران از سوی پروردگارشان داده شده است، میان هیچ‌یک از آنان فرقی نمی‌گذاریم، و در برابر فرمان خدا تسلیم هستیم» (بقره/۱۳۶).

سه نکته در این آیه وجود دارد:

۱- قرآن کریم در این آیه برای کسانی که در برابر فرمان خداوند تسلیم‌اند جدایی و تفرقه را نفی می‌کند؛

۲- وحدت کبری را میان تمام رسالت‌ها و پیامبران اعلام نموده و آن را علامت دین خدا دانسته است؛

۳- از این آیه روح وحدت به خوبی استنباط می‌شود. در واقع قرآن خواسته است بگوید گرچه پیامبران در یک سلسله احکام جزئی آن هم بنا بر مقتضیات زمان و بر حسب استعداد مردم زمان خود با هم اختلاف داشته‌اند، ولی این اختلافات در اصول دین نمی‌باشد (اداره پژوهش و نگارش وزارت ارشاد، پیشین، ص ۵۱).

«وَ أَنْ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ...» (انعام/۱۵۳).  
 «وَ لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَ اختلفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (آل عمران، ۱۰۵).  
 کثرت این آیات نشان دهنده اهمیت وحدت و دوری از تفرقه نزد خداوند متعال است.

### زمینه‌های وحدت و هم‌بستگی

الف - توحید: «قولوا لا اله الا الله تفلحوا» وحدت معبود اولین ندای آسمانی است که سر داده شد و هم موجب طرد خدایانی شد که هر قوم برای خود انتخاب کرده بود و هم وحدت عقیده، وحدت هدف و وحدت عمل را در پی داشت؛ «الایمان قول و عمل» (اداره پژوهش و نگارش وزارت ارشاد، پیشین، ص ۸۳).

توحید و توجه به پروردگار یکتا وضع دینی و اجتماعی را منظم و نسبت همگی به خداوند را یکسان می‌سازد؛ «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَ لَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئاً وَ لَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضاً أَرْبَاباً مِنْ دُونِ اللَّهِ» (آل عمران/۶۴). همچنین آیات ۸۰ آل عمران و ۳۱ توبه نیز به این مطلب اشاره دارد (موتقی، پیشین، ج ۱).

توحید اولین پایه وحدت و زیربنای اسلام است. رابطه آن با وحدت امت را می‌توان در آیه «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَ أَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُون» مشاهده نمود. به نظر می‌رسد زیربنای وحدت امت در این آیه اعتراف به ربوبیت خدا و پرستش اوست نه چیز دیگر.

از این آیه دو نکته استفاده می‌شود: ۱- وحدت امت در ردیف توحید قرار دارد و به تعبیری دیگر، وحدت یکی از ارکان اسلام است و قرآن به همان نسبت که به توحید تأکید کرده است بر وحدت نیز تأکید نموده است. حتی در این آیه ابتدا وحدت امت ذکر شده و بعد عبادت خدا آمده است.

۲- در تعبیر «أُمَّةً وَاحِدَةً» پاسخ سؤال «وحدت چیست» به دست می‌آید و آن این که جامعه اسلامی باید به جایی برسد که یک امت واحد را تشکیل دهد و مسلمانان به همان نسبت که موظف‌اند بر اساس توحید خدا را عبادت کنند وظیفه دارند در راه وحدت بکوشند (دبیرخانه کنفرانس وحدت اسلامی، ۱۳۶۸، ص ۹۳-۹۴).

در بطن توحید، وحدت نهفته است. عبودیت و بندگی نسبت به ربّ العالمین بشر را در یک صف در برابر هم و دارای وظایفه مشابه در برابر خدا و خلق و با مسئولیت مشترک قرار داده است. توحید و

یکتاپرستی تمام یکتاپرستان را در یک رابطه متحد می‌کند به طوری که تمام افراد به واسطه قبول کردن بندگی خدا در همه حقوق و تعهدات با هم برابرند و جز مقابل امر خداوند تسلیم نمی‌شوند و معتقدند که او حاکم مطلق بوده و همگی را به هم پیوند می‌دهد (اداره پژوهش و نگارش وزارت ارشاد، پیشین، ص ۱۵۳-۱۵۴). توحید اساس همه وحدت‌ها است.

ب - پیروی از رسول‌الله: اطاعت از خدا و رسول او از اصول مشترک بین تمام مذاهب اسلامی است و پیروی از رسول خدا سبب وحدت امت اسلامی است. «أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ...». پیامبر نه تنها سبب وحدت بلکه بنیان‌گذار و پاسدار وحدت می‌باشد. گرچه اختلافاتی در برداشت از سنت وجود دارد، اما نباید گفت سنت از نظر شیعه و سنی متفاوت است بلکه این اختلاف در «صغری» است نه در «کبری»؛ یعنی در این که سنت پیامبر، مانند قرآن، واجب‌الاتباع است اختلافی نیست، بلکه اختلاف در این است که این سخن گفته پیامبر هست یا خیر (پیشین، ص ۲۱۲).

در قرآن برای رفع تنازع مرجعی به نام خدا و رسولش تعیین شده است «فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا» (نساء/۵۹). نکته جالبی که در این آیه هست این است که معلوم می‌شود کسانی که در مقام تنازع باقی می‌مانند و رفع نزاع نمی‌کند گرفتار هوای نفسانی هستند و ایمان به خدا و روز جزا ندارند.

ج - تمسک به قرآن: قرآن منشأ هدایت تمام جامعه بشری می‌باشد و پیامبر اسلام اولین کسی است که به پیروی از آن و تمسک جستن به آن امر شده است. «اتَّبِعْ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ» (انعام/۱۰۶)؛ «فَاسْتَمْسِكْ بِالَّذِي أُوحِيَ إِلَيْكَ إِنَّكَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (زخرف/۴۳)؛ «ثُمَّ جَعَلْنَاكَ عَلَى شَرِيعَةٍ مِنَ الْأَمْرِ فَاتَّبِعْهَا وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ» (جاثیه/۱۸)؛ «اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ إِلَيْكُم مِّن رَّبِّكُمْ وَلَا تَتَّبِعُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ» (اعراف/۳).

آنچه از این آیات برداشت می‌شود این است که همان‌طور که پیامبر به تمسک از قرآن امر شده است این مسئله به طریق اولی در مورد همه مسلمانان نیز صادق و لازم است که در تمامی امور خویش به قرآن تمسک بجویند (قرضاوی، ۱۳۷۷، ج ۲)، زیرا قرآن روشن‌کننده همه چیز است «...تَبَيَّنًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَى لِّلْمُسْلِمِينَ» (نحل/۸۹). به جای غرض‌ورزی و پیروی از هوا و هوس، با مراجعه به قرآن می‌توان مشکلات را حل نموده و راه‌حل‌های درست یک‌پارچگی و هم‌بستگی را از خود قرآن فرا گرفت.

قرآن که خود برهان و نور است ما را برای رسیدن به اُلفت رهنمون می‌سازد «يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُّبِينًا» (نساء/۱۷۴). قرآن شفای همه بیماری‌ها و مایه رحمت برای مؤمنان است و از طریق آن می‌توان سرطان اختلاف و تفرقه را درمان نمود به گونه‌ای که هیچ اثری بیماری باقی نماند؛ «هوشفاء»

د - تقوا: قرآن فرموده است که اگر بخواهید در زمینه وحدت امت و توحید پروردگار موفق باشید شرط آن التزام به تقوا است. تقوا یعنی کنترل خودتان را از دست ندهید و هرچه دلتان می‌خواهد و هرچه هوا و هوستان هست و هرچه دنیاتان اقتضا می‌کند انجام ندهید بلکه خودتان را حفظ و کنترل نموده و خودنگهدار باشید. «وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ؛ تقوا پیشه کنید و از خدا پروا داشته باشید» (معزالدين، ۱۳۷۴، ص ۶۶-۶۷). تقوا که در قرآن به آن امر شده است جلوی هوا و هوس، جهالت‌ها، نادانی‌ها و خودبینی‌ها را می‌گیرد. قرآن در آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ ﴿۶۷﴾ وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا...» (آل عمران/۱۰۲) قبل از وحدت، تقوا را مطرح نموده، آن هم در حدی که شایسته خداست؛ به این معنا که تا دل‌هایتان کاملاً پاک نشود و این نفس سرکش را کنترل نکنید به وحدت نخواهید رسید.

ه - امر به معروف و نهی از منکر: یکی از راه‌های رسیدن به وحدت و هم‌بستگی و آرمان‌های اسلام امر به معروف و نهی از منکر است، زیرا باعث ایجاد مسئولیت مشترک در میان مسلمانان می‌شود؛ «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ» (آل عمران/۱۱۰).

راه غلبه و رواج خیر و معروف در جهان و نابودی منکر و شر و فساد از روی زمین امر به معروف و نهی از منکر می‌باشد و آیات مربوط به آن این مسئولیت مشترک را بر دوش مسلمانان قرار داده است. تمام مذاهب اسلامی با امر به معروف و نهی از منکر زمینه را برای رواج خیر و از بین بردن فساد فراهم می‌کنند تا پایه و اساس جامعه اسلامی پابرجا باشد (اداره پژوهش و نگارش وزارت ارشاد، پیشین، ص ۲۱۴). امر به معروف و نهی از منکر یکی از اساسی‌ترین دستورات اسلام است که مسلمانان را هماهنگ و به هم نزدیک می‌کند و برنامه‌ای مشترک را بین آنان به اجرا می‌گذارد؛ «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (آل عمران/۱۰۴). طبق این آیه و آیات گذشته، اگر بخواهیم در اعتصام به حبل‌الله و تقوا و تسلیم‌الی‌الله موفق باشیم شرطش این است که به امر به معروف و نهی از منکر دعوت نمایم. شرط داشتن تقوا و هم‌بستگی این است که عده‌ای همیشه مراقب باشند که در کجا و کدام منطقه دارند به سوی شر و اختلاف کشیده می‌شوند و از خیر و وحدت دست بر می‌دارند و به آنان هشدار بدهند.

و - اخوت و برادری: استقرار روح اخوت و برادری در جامعه اسلامی - تا آن جایی که هر فرد آن‌چه را که برای خود می‌پسندد برای دیگران هم بپسندد و آن‌چه را که برای خود نمی‌پسندد برای دیگران هم نپسندد - سبب حل بسیاری از مشکلاتی می‌شود که جوامع اسلامی امروزه گرفتار آن هستند، از جمله هیچ کشوری دیگر برای ترقی و منافع خویش سایر کشورهای اسلامی را قربانی نمی‌کند و آنان را به منزله پلکانی برای ترقی خویش نمی‌داند؛ «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» (حجرات/۱۰).

قرآن همواره سفارش می‌نماید که مؤمنان برای حل اختلافات خود به برادران خود رجوع کنند و از مراجعه به غیرمؤمن برای حل اختلافات نهی می‌کند و دستور می‌دهد که از دوستی با ستمکاران و



کسانی که کتاب خدا را استهزاء می کنند دوری نمایند؛ «إِنَّمَا يَنْهَاكُمْ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ أَخْرَجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ وَ ظَاهَرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ أَنْ تَوَلَّوهُمْ وَ مَنْ يَتَوَلَّهُمْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ» (ممتحنه/۹)؛ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةَ مَنْ دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا...» (آل عمران/۱۱۸). هم چنین آیات ۲۸ آل عمران، ۳۳ و ۱۳۴ نساء و ۱۰ و ۱۱ توبه نیز به این مطلب اشاره می کند که همواره مسلمانان از دوستی با غیر خود دوری نمایند. ولی متأسفانه این امر تنها به صورت نظریه بین جوامع اسلامی مطرح می شود و آن چنان که شایسته است، کاربردی نشده است، زیرا برخی از کشورهای اسلامی به جای مراجع به برادران خود در حل اختلافات و مشکلات، دست نیاز به سوی کشورهای غربی و آمریکا دراز می نمایند غافل از این که نه تنها مشکلات آنان حل نمی شود بلکه با نفوذ دادن استکبار در درون خویش مشکلات جدیدی را ایجاد می کنند. ولی اگر روحیه اخوت استقرار یابد و مسلمانان سعادت خویش را در سعادت مسلمانان ببینند و سعی کنند برای رسیدن به این هدف ایثار و فداکاری نمایند، بسیاری از مشکلات و اختلافات امروزی را کنار خواهند زد.

ز - حسن ظن: یکی از مبادی اخلاقی در برخورد کارگزاران و دعوت کنندگان اسلامی با یکدیگر حسن ظن و برداشتن عینک بدبینی از روی چشمان خود نسبت به اعمال دیگران است. همیشه دیگران را متهم و کار خود را توجیه نمایند. مؤمن همیشه نفس خود را متهم نموده و تسلیم آن نمی شود و عمل خود را اندک شمرده و نسبت به بندگان خدا و برادران دینی و دعوت کنندگان هم مسیر خود حسن ظن داشته و کار آنها را توجیه منطقی می نماید. حسن ظن به خدا و بندگان خدا از بزرگترین شعبه های ایمان است؛ در مقابل، سوء ظن نسبت به خدا و بندگان خدا از شعبه های ضعف ایمان است. سوء ظن یکی از خصلت های بدی است که قرآن و سنت مسلمانان را از آن بر حذر داشته است؛ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ» (حجرات/۱۲). قرآن نه تنها خواستار دوری از سوء ظن شده، بلکه خواستار این است که مسلمان نسبت به برادر دینی خود جز خیر، گمانی نبرد؛ «لَوْ لَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَ الْمُؤْمِنَاتُ بِأَنفُسِهِمْ خَيْرًا وَ قَالُوا هَذَا إِفْكٌ مُّبِينٌ» (نور/۱۲) (قرضاوی، پیشین، ص ۲۱۴-۲۱۸).

ح - احترام به یکدیگر: طبق رهنمودهای قرآنی گفت و گو باید بر پایه احترام متقابل طرف های گفت و گو استوار باشد؛ «وَ لَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ». قرآن در این آیه حتی سب و لعن کردن غیرمسلمان را نهی می نماید. چه خون ها که در طول تاریخ به واسطه همین عدم احترام و سب و لعن یکدیگر ریخته شده است. سب و لعن یکدیگر هیچ سود و نتیجه ای به غیر از کاشتن بذر کینه به بار نمی آورد.

ط - پرهیز از قومی گرایی و ملی گرایی: در دین اسلام گرایش به جنبه های قومی و ملی هیچ اعتباری ندارد. اسلام امتیازات قومی ملی، نژادی، زبانی و ... را ظاهری و صوری و بی ارزش تلقی نموده و همه را یکسان و برابر می داند. در منطق قرآن و اسلام همه بنده خدایند و همه یکسان خلق شده اند و هیچ یک از عوامل ظاهری نباید موجب جدایی و افتراق آنها شود.

«يا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» (حجرات/۱۳). در نزد خداوند آدمی جز به تقوا هیچ شرافتی و فخری نسبت به سایر انسان‌ها ندارد. خطابات قرآن همگی عمومیت دارد خواه وظایف فردی باشد، مانند «اقیموا الصلاة» و «اوفوا بالعقود» «افعلوا الخیر» و خواه وظایف اجتماعی، از جمله اجرای حدود الهی، حفاظت از دین و حیثیت اسلام، اجرای عدالت، نظارت بر امور مسلمین و... این خطابات تمام امت اسلامی را در بر می‌گیرد و همگی مکلف‌اند وظایف محوله را انجام دهند و تکالیف و وظایف را مختص گروه، قوم و نژاد خاصی ننموده است. (اداره پژوهش و نگارش وزارت ارشاد، پیشین، ص ۱۵۵-۱۸۰).

ی - تفاوت دشمن و دشمنی: به گفته قرآن مسلمانان با دو دسته دشمن خارجی و داخلی سر و کار داشته و در برابر هر یک از آنها وظایفی دارند. در برابر دشمن بیگانه، یعنی کفر و نفاق و استکبار، جز سرسختی و مقاومت راهی نیست، باید دشمن را از پای درآورد و تمام دست‌آویزهای او را قطع کرد. اما وظیفه ما در برابر کسانی که همه اهل یک کتاب و قبله و دین هستند ولی با ما نمی‌سازند یا ما با آنها سازگاری نداریم چیست؟

قرآن کریم می‌گوید در این‌جا نکوشید رقیب را رام کنید بلکه بکوشید دشمنی را از بین ببرید نه دشمن را. کافر و منافق دشمن شماسست و شما باید «أَشْدَاءُ عَلَی الْکُفَّارِ» باشید ولی در مقابل موحد و اهل قبله بود بکوشید عداوت را طرد کنید نه عدو را؛ «وَلَا تَسْتَوِی الْحَسَنَةُ وَلَا السَّیِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِی هِیَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِی بَیْنَکَ وَ بَیْنَهُ عَدَاوَةٌ کَأَنَّهُ وَلِی حَمِیمٌ» (فصلت/۳۴). اگر دشمنی را از بین ببریم با یک فکر آزاد در کنار هم بسیاری از مشکلات را حل خواهیم نمود (دبیرخانه کنفرانس وحدت اسلامی، پیشین، ص ۴۳).

بعد از بررسی زمینه‌های وحدت و هم‌بستگی، اکنون زمینه‌های اختلاف و تفرقه را بررسی می‌نماییم تا با شناخت و دوری از آنها راه رسیدن به وحدت هموار گردد.

### زمینه‌های اختلاف و تفرقه

الف - بغی: قرآن اختلاف و تفرقه را بعد از حصول علم به حق بغی و تجاوز و تعدی می‌داند؛ «وَمَا تَفَرَّقُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْیًا بَیْنَهُمْ» (شوری/۱۴)؛ «وَمَا اخْتَلَفَ فِیهِ إِلَّا الَّذِینَ أَوْتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَیِّنَاتُ بَغْیًا بَیْنَهُمْ» (بقره/۲۱۳)؛ «إِنَّ الَّذِینَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِینَ أَوْتُوا الْکِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْیًا بَیْنَهُمْ» (آل‌عمران/۱۹).

در همه این آیات مشاهده می‌شود که منشأ همه اختلافات از تعدی و تجاوز سرچشمه گرفته است. مسئله بر سر این نیست که یکی به گونه‌ای از دین برداشت می‌کند و دیگری به گونه دیگر. اختلاف در چگونگی فهمیدن نیست، اختلاف در اندیشه‌ها نیست، بلکه اختلاف جوامع به علت تعدی و تجاوز و سرکشی و زیاده‌خواهی آنان است.

ب - تحزب و تعصب: تحزب آن است که مردم حزب حزب شده و هر کدام بر رأی و گفته خود پافشاری نمایند. در قرآن حزب‌الله مدح شده است؛ «فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ» (مائده/۲۶)؛ «أُولَئِكَ

حَزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حَزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (مجادله/۲۲) و در نقطه مقابل، حزب الشیطان ذم شده است؛ «أُولَئِكَ حَزْبُ الشَّيْطَانِ أَلَا إِنَّ حَزْبَ الشَّيْطَانِ هُمُ الْخَاسِرُونَ» (مجادله/۱۹).

قرآن «حزب» با لفظ جمع را همه جا نكوهش نموده و مهم‌ترین عامل تفرقه را که همان تحزب و احزاب است روشن کرده است؛ «فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ عَذَابِ يَوْمٍ أَلِيمٍ» (زخرف/۶۵). اما تعصب از «عصبه» به معنای جماعت و جماعت‌گرایی و از جماعتی حمایت نمودن است (اداره پژوهش و نگارش وزارت ارشاد، پیشین، ص ۲۴۶-۲۴۵). تعصب بر دو قسم است: مذموم و ممدوح. تعصب مذموم آن است که انسان از مرام و مسلکی به طور مطلق حتی بعد از دانستن بطلان آن حمایت نماید، همان‌طور که مشرکین چنین می‌کردند؛ «إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِم مُّقْتَدُونَ» (زخرف/۲۱). اما تعصب ممدوح آن است که در راه حق تعصب و غیرت به خرج داده و مسامحه روا ندانند؛ «يَجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ» (مائده/۵۴). تعصب مذموم به هیچ وجه از مسلمانان پذیرفته نیست. مسلمانان باید همواره آماده پذیرش حق باشند از هر راهی که به دست آید.

ج - مجادله: مجادلات از اسبابی است که بین افراد و فرقه‌های اسلامی شکاف ایجاد نموده و سبب مخدوش و مجروح شدن دین می‌گردد. در قرآن حتی از جدال با غیرمسلمان نهی شده است، مگر در صورتی که به صورت احسن و شایسته انجام گیرد؛ «وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (عنکبوت/۴۶) «وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ» (انعام/۱۰۸).

### نتایج و دست‌آوردهای وحدت و هم‌بستگی اسلامی

چرا اسلام تا این حد بر اتحاد و هم‌بستگی تأکید کرده و تفرقه و عدوات را نهی نموده است؟ واقعیت این است که اتحاد و هم‌بستگی در حیات امت اسلامی دارای ارزش و منافی است که در نزد عقلا و متفکران مخفی نیست.

الف - استقرار و حفظ دین اسلام: اثرات وحدت اسلامی نه تنها به خود جوامع اسلامی برمی‌گردد بلکه سبب استقرار دین خدا در جهان می‌گردد؛ «وَيَكُونُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَكُمْ عِتَابًا وَمُنْذِرًا وَمَا يَكُونُ لَكُمْ أَدَبًا وَمَا يَكُونُ لَكُمْ حِجَابًا وَمَا يَكُونُ لَكُمْ حُجْرًا وَمَا يَكُونُ لَكُمْ حِجَابًا وَمَا يَكُونُ لَكُمْ حِجَابًا وَمَا يَكُونُ لَكُمْ حِجَابًا» (انفال/۳۹).

برای رسیدن به هدف استقرار دین حق در جهان نیاز است ابتدا میان مسلمانان وحدت ایجاد گردد. داستان حضرت موسی و هارون دلیل روشنی برای حفظ دین در سایه وحدت و یک‌پارچگی است؛ زمانی که حضرت موسی جهت لیبیک به ندای حق به مناجات پرداخت و هارون را جانشین خود قرار داد و ماجرای پرستش گوساله سامری در میان قوم بنی‌اسرائیل پیش آمد؛ «يَا هَارُونَ مَا مَنَّكَ إِذْ رَأَيْتَهُمْ ضَلُّوا \* أَلَا تَتَّبِعُنَّ أَفْعَصَيْتَ أَمْرِي» (طه/۹۲ و ۹۳). قرآن جواب هارون را در مقابل برادر بزرگوارش چنین بیان می‌کند: «قَالَ يَا ابْنَ أُمَّ لَا تَأْخُذْ بِلِحْيَتِي وَلَا بِرَأْسِي إِنِّي خَشِيتُ أَنْ تَقُولَ فَرَّقْتَ بَيْنَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَ لَمْ تَرْقُبْ قَوْلِي» (طه/۹۴). مفهوم این آیه این است که پیامبر خدا، هارون، با وجود انحراف قومش سکوت اختیار نمود و هدفش این نبود که هر گاه حضرت موسی برگشت خودش

مشکل را حل نماید بلکه به علت حساسیت تفرقه این امر را به بازگشت حضرت موسی موکول نمود (اداره پژوهش و نگارش وزارت ارشاد، پیشین، ص ۱۷۵-۱۷۶).

در واقع حضرت هارون برای حفظ دین الهی که از سوی برادرش بر قوم بنی اسرائیل نازل شده بود سکوت نمود تا از تفرقه آنها و نابودی دین موسی جلوگیری نماید.

ب - حفظ صراط مستقیم: «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا»؛ این فرمان عامی است که مسلمین را به چنگ زدن به ریسمان الهی و دوری از تفرقه فرا می‌خواند و به وسیله همین فرمان عام است که مسلمانان از بسیاری از انحرافات و کجروی‌ها نجات می‌یابند. آنها باید به اطاعت از فرمان الهی بپردازند نه به اختلاف و تفرقه که سبب شکاف در دین و دوری از مسیر اصلی اسلام - صراط مستقیم - می‌گردد. هم‌بستگی مسلمین سبب می‌گردد که از راه مستقیم فاصله نگیرند و ذکر و فکر خویش را صرف استقامت در این مسیر نمایند؛ «أَنْ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوا وَلَا تَتَّبِعُوا السَّبِيلَ فَتَفْرَقَ بَكُمُ عَنْ سَبِيلِهِ...» (معز الدین، پیشین، ص ۷۰-۷۱).

بعد از بررسی نتایج وحدت و هم‌بستگی مسلمین اکنون نتایج و پیامدهای اختلاف و تفرقه بررسی می‌گردد.

### نتایج و پیامدهای تفرقه

الف - ضعف جامعه اسلامی: خداوند بارها در قرآن دستور داده که از پراکندگی و نزاع اجتناب کنید، زیرا در این صورت سست و ضعیف می‌شوید و در نتیجه، قدرت و عظمت شما از بین می‌رود؛ «وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ لَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَ تَذْهَبَ رِیْحُكُمْ» (انفال/۶۶) «وَ لَا تَنَازَعُوا» را با صیغه نهی به کار برده است، زیرا اختلاف و نزاع سبب ضعف و از بین رفتن شکوه و عظمت و قدرت و نیروی مسلمانان می‌گردد.

ب - تفرقه و جدایی از راه پیامبر: آنان که تفرقه ایجاد می‌کنند راهشان از راه پیامبر و امت جدا است، زیرا بدعت‌هایی در دین گذاشته و پیرایه‌هایی به آن بسته‌اند. «لَسْتَ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ»؛ یعنی راه پیامبر از آنها جدا است و کسانی که راهشان از پیامبر جدا شده است اهل شبهه و بدعت‌اند و آنها را نباید جزء امت پیامبر دانست، زیرا راه پیامبر راه دین، راه وحدت و راه اسلام است. جدایی از راه و روش او جدایی از اسلام و به سوی گمراهی و ضلالت رفتن است و هر کس در دین اختلاف ایجاد کند مصداق «كَانُوا شِيعًا» می‌باشد. «إِنَّ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَ كَانُوا شِيعًا لَسْتَ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ» (انعام/۱۵۹) (اداره پژوهش و نگارش وزارت ارشاد، پیشین، ص ۶۹).

ج - تفرقه و راه مفسدین: قرآن تفرقه را راه فرعون و فرعونیان دانسته و از آنها به مفسد تعبیر نموده است، از این رو می‌توان تفرقه و تفرقه‌اندازان را مفسدین نامید؛ «إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَ جَعَلَ أَهْلَهَا شِيعًا یَسْتَضَعُّ طَائِفَةً مِنْهُمْ یُدَبِّحُ أَبْنَاءَهُمْ وَ یَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ» (قصص/۴). در واقع یکی از راه‌هایی که مفسدین برای ذلیل کردن و غلبه بر قوم‌های

مختلف به کار می‌برند و از گذشته تا به امروز مورد استفاده قرار گرفته است همین راه «تفرقه انداز و حکومت کن» می‌باشد.

د - تفرقه، راه مشرکین: کسانی که راه تفرقه را برمی‌گزینند در واقع راه جدایی از پیامبر و راه مشرکین را برگزیده‌اند، زیرا طبق آیات ۳۱ و ۳۲ روم «...وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُشْرِكِينَ...» «مِنَ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيعًا» تفرقه راه مشرکین می‌باشد و خداوند در جای جای قرآن از آن نهی نموده است. تفرقه انسان را در راه مشرکین قرار می‌دهد و کسی که از این راه پیروی نماید به ضلالت کشیده می‌شود؛ «وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ...» (شوری/۱۳).

ه - تفرقه عذاب الهی: خدای بزرگ تشنت و تفرقه را منع نموده است، زیرا سبب بدبختی و فساد است و ملتی که در میان آنها اختلاف باشد به عذابی دردناک دچار خواهد شد؛ «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (انعام/۱۰۵).

اگر خداوند بخواهد قومی را عذاب کند لباس تفرقه بر تن آن قوم می‌پوشاند؛ «قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَى أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ أَوْ يَلْبَسَكُمْ شِيعًا وَيَذِقَ بَعْضُكُمْ بَأْسَ بَعْضٍ» (انعام/۶۵).

### نتیجه

از آن جایی که قرآن منشأ هدایت، روشن‌کننده همه چیز و راهنمای تمام جامعه بشری است، بر مسلمانان لازم است که در تمامی امور خویش به قرآن تمسک بجوبند؛ «... تَبَيَّنَا لِكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَى لِلْمُسْلِمِينَ» (نحل/۸۹). قرآن راه‌حل‌های درست یک‌پارچگی و هم‌بستگی را در اطاعت از خدا و رسولش، تقوا، حسن ظن، امر به معروف و نهی از منکر، اخوت و برادری، دشمن‌شناسی، احترام به یک‌دیگر و دوری از سرکشی و تجاوز و تعصب جاهلانه بیان نموده و استقرار و حفظ دین مبین اسلام، سیادت مسلمین و ماندن در صراط مستقیم، و دوری از تفرقه و عذاب الهی را در گروهی هم‌بستگی و وحدت مسلمین دانسته است. دست‌یابی به یک‌پارچگی و هم‌بستگی سبب استحکام جامعه دینی و مانعی برای سست شدن و ضعف جامعه اسلامی و به هدر رفتن نیروها و سپری برای عذاب و خشم الهی است. تفرقه نوعی عذاب و انتقام الهی است.

### منابع و مأخذ

۱. ابوالفتح رازی، شیخ بهاء الدین، تفسیر روح الجنان و روح الجنان، تصحیح: میرزا ابوالحسن شعرانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی‌تا.
۲. اداره پژوهش و نگارش وزارت ارشاد(گردآورنده)، کتاب وحدت (مجموعه مقالات)، چاپ وزارت ارشاد اداره کل تبلیغات و انتشارات، تهران، ۱۳۶۲.

۳. **بیداری اسلامی چشم‌اندازه آینده و هدایت آن**، مجموعه مقالات هفدهمین کنفرانس اسلامی، معاونت فرهنگی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۴.
۴. حکیم، محمدباقر، **وحدت اسلامی از دیدگاه قرآن و سنت**، ترجمه: عبدالله فقهی‌زاده، انتشارات تبیان، تهران، ۱۳۷۷.
۵. دبیرخانه کنفرانس وحدت اسلامی، **سخنرانی و مقالات دومین کنفرانس وحدت اسلامی**، سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، ۱۳۶۸.
۶. رشیدرضا، محمد، **تفسیر المنار**، دار المعرفه، بیروت، بی‌تا.
۷. طباطبائی، سید محمدحسن، **المیزان فی تفسیر القرآن**، چاپ بیروت، دار الکتب الاسلامیه، بی‌تا.
۸. قرضاوی، یوسف، **بیداری اسلامی و فرهنگ اختلاف**، ترجمه: عمر قادری، نشر احسان، سنندج، چاپ اول، ۱۳۷۷.
۹. معزالدین، محمدسعید، **ندای وحدت**، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۴.
۱۰. مغنیه، محمد جواد، **تفسیر الکاشف**، چاپ بیروت، انتشارات دار العلم، ۱۹۷۸.
۱۱. موثقی، احمد، **استراتژی وحدت در اندیشه اسلامی**، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، چاپ دوم، ۱۳۷۵.

